

الطرح الديني السائد:

گفتمان غالب دینی:

وهو عبارة عن تفسير بشري للنص الديني على أن الإنسان عبارة عن تمثال طيني أرضي بثت فيه الروح على الأرض مباشرة فدبت في التمثال الحياة وأصبح من لحم ودم، وهذه النظرية التي يصر عليها معظم رجال الدين تتناقض مع العلم تماماً مئة بالمئة، ووجدت نفسها - أخيراً - الكنيسة الكاثوليكية مضطرة للتنازل عنها؛ لأنها تصطدم مع العلم. فمسألة التطور عموماً مسألة علمية دقيقة ولا معارض علمي محترم لها، ومسألة تطور الجسم الإنساني عن أصول سابقة مسألة منتهية، فالآن بحسب التحليل الجيني حسمت على الأقل مسألة رجوع الإنسان الحالي إلى الإنسان الأفريقي العاقل الهومو سايننس وهو علمياً قبل (200) ألف عام، كان إنساناً بدائياً لم يكن حتى يدفن موتاه (1) فهل يعقل أن آدم النبي الذي علمه الله الأسماء هو أحد هؤلاء البدائيين في أفريقيا ولم يكن يدفن موتاه، مع أن الله علم آدم وبنيه دفن الموتى.

1. دفن الموتى من أبجديات الدين الآدمي بل الحياة الآدمية على هذه الأرض فمسألة دفن الموتى بالنسبة لبني آدم بدأت منذ أول ميت مقتول من ذرية آدم على هذه الأرض: "وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ ابْنَيْ آدَمَ بِالْحَقِّ إِذْ قَرَّبَا قُرْبَانًا فَتُقُبِّلَ مِنْ أَحَدِهِمَا وَلَمْ يُتَقَبَّلْ مِنَ الْآخَرِ قَالَ لَأَقْتُلَنَّكَ قَالَ إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ فَطَوَعَتْ لَهُ نَفْسُهُ قَتْلَ أَخِيهِ فَقَتَلَهُ فَأَصْبَحَ مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿٣٠﴾ فَبَعَثَ اللَّهُ غُرَابًا يَبْحَثُ فِي الْأَرْضِ لِيُرِيَهُ كَيْفَ يُؤَارِي سَوْءَةَ أَخِيهِ قَالَ يَا وَيْلَتَا أَعَجَزْتُ أَنْ أَكُونَ مِثْلَ هَذَا الْغُرَابِ فَأُوَارِي سَوْءَةَ أَخِي فَأَصْبَحَ مِنَ النَّادِمِينَ ﴿٣١﴾" سورة المائدة - الآيات: ٢٧-٣١.

گفتمان غالب دینی در این خصوص عبارت است از تفسیر بشری از متن دینی، به این صورت که انسان عبارت است از کالبد گلی زمینی که روح به طور مستقیم بر روی زمین در آن دمیده شده است، و به این ترتیب در کالبد، زندگی دمیده شد و از جنس گوشت و خون گردید. این نظریه ای است که بسیاری از رجال دینی بر آن پافشاری می کنند؛ با علم به اینکه صد درصد با علم در تناقض می باشد. از این رو کلیسای کاتولیک اخیراً مجبور شده است که از تأیید آن عقب نشینی کند، چرا که در تضاد با علم

می‌باشد. به طور کلی تکامل، موضوعی است علمی و دقیق که هیچ معارض علمی قابل قبولی نتوانسته در مقابل آن قد علم کند. موضوع تکامل جسم انسانی از منشأهای قبلی، مسئله‌ای حل‌شده است. اکنون بر اساس تجزیه و تحلیل ژن‌ها دست‌کم این موضوع مشخص شده که نسل انسان امروزی به انسان آفریقایی خردمند (هومو ساپینس) که از دید علم قبل از ۲۰۰ هزار سال پیش زندگی می‌کرده، باز می‌گردد؛ در حالی که انسانی ابتدایی بوده که حتی مردگان خود را نیز دفن نمی‌کرده است.^(۱) بر این اساس آیا معقول است، آدم پیامبر که خداوند "اسمها" را به او آموخت، یکی از همین انسان‌های بدوی آفریقایی باشد که مردگان خویش را تدفین نمی‌کرده‌اند، و حال آنکه خداوند به آدم و فرزندانش دفن اموات را آموخته بود.

(۱)- به‌خاکسپاری مردگان از اصول اولیه و بدیهی دین آدمی و حتی در زندگی آدمیان بر این زمین به‌شمار می‌رود. در خصوص فرزندان آدم، موضوع دفن مردگان از زمان اولین مرده مقتول از نسل آدم بر این زمین موضوعیت یافت: "و بخوان بر ایشان داستان فرزندان آدم را به حق هنگامی که قریان کردند پس پذیرفته شد از یکیشان و پذیرفته نشد از دیگری گفت همانا می‌کشمت گفت جز این نیست که می‌پذیرد خدا از پرهیزکاران... پس بیاراست برای او دلش کشتن برادر خویش را پس کشت او را و گردید از زیانکاران» (30) پس برانگیخت خدا کلاغی که می‌کاوید در زمین تا بنمایاندش چگونه نهان سازد پیکر برادر خویش را گفت ای وای بر من آیا عاجز شدم از آنکه مانند این غراب باشم که نهان کنم پیکر برادر خویش را پس گشت از پشیمانان» (31)"
سوره مائده، ۲۷-۳۱.

أعتقد أنّ هذا لوحده يكفي لنقض هذه النظرية التقليدية، وبغض النظر عن ثبوت تطور الإنسان الحالي عن حيوان بدائي قبل ملايين السنين علمياً، مع أنّ السلسلة الاحفورية أصبحت الآن تعطي قراءة شبه مكتملة لدى علماء الأحياء، إضافة إلى الأدلة الجينية وغيرها مما ذكرناه سابقاً، ونظرية التطور هي النظرية العلمية الوحيدة التي تدرس في الجامعات العلمية العريقة على أنها تفسر ظهور الحياة والإنسان على هذه الأرض.

بنظر من همین یک مورد، صرف‌نظر از اینکه علم، تکامل انسان امروزی از حیوانات اولیه در میلیون‌ها سال پیش را به اثبات رسانیده، و بدون در نظر گرفتن اینکه مجموعه سنگواره‌های کشف‌شده، زیست‌شناسان را به طرح نسبتاً کاملی از تکامل رسانیده است و با کنار گذاشتن ادله ژنتیکی و دیگر

دلایل و شواهدی که پیشتر به آنها اشاره کردیم، برای نقض این نظریه عوامانه کفایت می‌کند. نظریه تکامل اکنون به عنوان یگانه تفسیر پیدایش حیات و انسان بر روی زمین، در دانشگاه‌های معتبر جهان تدریس می‌شود.

وهذه النظرية الدينية التقليدية فضلاً عن تناقضها مع العلم والحقائق العلمية، فهي عاجزة حتى عن مجارة ظاهر النص الديني القطعي كالنص القرآني عند المسلمين.

این نظریه دینی عامیانه نه تنها با علم و حقایق علمی تناقض دارد، بلکه حتی از هماهنگی با ظاهر متن دینی قطعی مانند قرآن مسلمانان نیز ناتوان می‌باشد.

فلا يوجد بحسب هذه النظرية تفسير معقول وغير متناقض لجنة آدم، فهي عاجزة عن إجابة مجموعة أسئلة دون أن تقع في تناقض:

بر پایه این نظریه، هیچ توجیه معقول و غیرمتناقضی برای بهشت آدم وجود ندارد. تئوری مزبور نمیتواند بدون افتادن در دام تناقض‌گویی، به سؤالاتی از این دست پاسخ دهد:

فكيف أنه لا يعرى، لا يجوع، لا يظمأ، لا يضحى فيها؟

چگونه آدم در آن بهشت نه برهنه می‌ماند، نه گرسنه و نه تشنه می‌شد و نه دچار تابش آفتاب می‌گردید؟

وكيف أنه عري فيها لما عصى؟

چگونه او پس از ارتکاب معصیت، در آنجا خلع لباس شد؟

وما هو الارتباط بين المعصية والعري أو ظهور السوءة بالخصوص في جنة آدم؟

بین معصیت و خلع لباس یا هویدا شدن شرمگاه، به خصوص در بهشت آدم چه ارتباطی وجود دارد؟

﴿ فَأَكَلَا مِنْهَا فَبَدَتَ لَهُمَا سَوَاتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَعَصَىٰ آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَىٰ ﴾ سورة طه - الآية: ١٢١.

﴿ پس خوردند از آن پس نمودار شد برای ایشان عورت‌های ایشان و آغاز کردند گرد آوردند بر خود از برگ‌های بهشت و نافرمانی کرد آدم پروردگار خویش را پس زیانکار شد ﴾ سورة طه: ١٢١.

﴿ فَذَلَّاهُمَا بِغُرُورٍ فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَوَاتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَنَادَاهُمَا رَبُّهُمَا أَلَمْ أَنْهَكُمَا عَنْ تِلْكَمَا الشَّجَرَةِ وَأَقُلْتُ لَكُمَا إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمَا عَدُوٌّ مُبِينٌ ﴾ (سورة الأعراف - الآية: ٢٢).

﴿ پس سرنگون‌شان ساخت به فریب تا گاهی که چشیدند از آن درخت پدیدار شد برای ایشان عورت‌هایشان و آغاز کردند گرد می‌آوردند بر خود از برگ‌های بهشت و بانگ زد بدیشان پروردگارشان که آیا نهی نکردم شما را از این درخت و نگفتم به شما که شیطان برای شما دشمنی است آشکار ﴾ (سورة الأعراف: ٢٢).

وما معنى هبوط آدم من الجنة الى هذه الأرض ليستقر فيها إذا كان آدم أصلاً على هذه الأرض منذ البداية بحسب هذه النظرية،

اگر طبق این نظریه، آدم از همان ابتدا بر روی این زمین بوده است، پس معنای هبوط آدم از بهشت به این زمین چه معنا و مفهومی دارد؟

﴿ فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ وَقُلْنَا اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ ﴾ (سورة البقرة - الآية: ٣٦) .

﴿ پس بلغزاندیشان شیطان و برون راندشان از آنچه بودند در آن و گفتیم فرود شوید گروهی از شما دشمن گروهی و شما را است در زمین آرامشگاه و بهره‌ای تا زمانی ﴾ (سورة البقرة: ٣٦) .
